



ویژگی‌های خانواده‌های کودک آزار/ کودکان طلاق مورد آزار بیشتری قرار می‌گیرند

جدایی والدین علاوه بر اینکه صدمات جبران ناپذیری بر روان کودکان وارد می‌آورد باعث فشار مضاعف بر والدی می‌شود که حضانت کودک را بر عهده گرفته است.

خبرگزاری مهر- جدایی والدین علاوه بر اینکه صدمات جبران ناپذیری بر روان کودکان وارد می‌آورد باعث فشار مضاعف بر والدی می‌شود که حضانت کودک را بر عهده گرفته است.

بدرفتاری با کودک غالباً بخشی از یک الگوی خشونت خانوادگی است. بدترین خانواده از حیث کیفیت روابط درونی و میزان استحکام خانواده متزلزل و آسیب رسان است.

ویژگی‌های خانواده آسیب رسان و متزلزل را می‌توان به این شکل خلاصه نمود: خانواده متزلزل از هدف اصلی خویش بازمانده و آرمانش را از دست داده است؛ از درون تهی گشته و با هر ضربه بیشتر می‌ریزد؛ مسئولیت‌ها به کنار رفته و وانهادگی بر آنها حاکم است؛ از روابط خصمانه و غیر دوستانه آکنده است؛ مدیریت تجزیه شده و تصمیم‌گیری در این خانواده‌ها به غایت دشوار است.

در خانواده متزلزل جاذبه کافی برای پایبندی اعضا به میثاق زندگی مشترک وجود ندارد و فردای روشن و آینده امید بخش وجود ندارد. در خانواده متزلزل، انتقادهای به شکل ظالمانه، مستقیم و مستمر توسط اعضای آن از یکدیگر صورت می‌گیرد و دعوا و کتک‌کاری میان والدین امری نسبتاً عادی است. همسر آزاری در این خانواده‌ها فراوان به چشم می‌خورد و فرزندان و مادران مورد آزار جسمی، توهین و ناسزا قرار می‌گیرند.

خانواده‌های طرد شده از اقوام و اجتماع

خانواده‌هایی که گرفتار معضلات اساسی مانند اعتیاد، سابقه سرقت، اشتهار به فساد و یکی از والدین هستند به تدریج توسط اطرافیان اعم از اقوام و دوستان طرد می‌شوند. چنین خانواده‌هایی به دو دلیل کانون کودک آزاری می‌شوند. اول به دلایلی همچون اعتیاد، سابقه سرقت و که به طور ضمنی زمینه‌های آزار کودکان را در خانواده فراهم می‌آورد. دلیل دوم ارتباط نداشتن با اطرافیان است. این والدین به دلیل نداشتن روابط اجتماعی قادر به تصحیح رفتارهای غلط خود در خانواده نیستند و فرهنگ پذیری نیز در این خانواده‌ها به دلیل نداشتن ارتباطات اجتماعی بسیار به کندی صورت می‌گیرد.

خانواده‌های تک والدی

هرگاه یکی از والدین یعنی پدر یا مادر به تنهایی سرپرستی فرزند خود را عهده دار شوند، بیشتر مرتکب کودک‌آزاری می‌شوند. فوت یکی از والدین از عواملی است که به تک والدی شدن خانواده می‌انجامد. در تاریخچه خانوادگی کودکان آزار دیده جنسی به درمانگاه‌های شهر تهران مشخص شد که 54 درصد این کودکان در خانواده‌های تک والدی زندگی می‌کنند. همچنین تحلیل نتایج به دست آمده از این پژوهش، ارتباط آماری معنا داری بین فوت پدر یا فوت مادر با کودک آزاری جسمانی نشان داد.

یکی دیگر از عواملی که موجب تک والد بودن خانواده می‌شود طلاق جدایی والدین است. جدایی والدین علاوه بر اینکه صدمات جبران ناپذیری بر روان کودکان وارد می‌آورد باعث فشار مضاعف بر والدی می‌شود که حضانت کودک را بر عهده گرفته است. فشارها و ناراحتی‌های اقتصادی به خصوص در مورد مادران به همراه فشارهای روانی بر پدر یا مادری که از یکدیگر جدا شده‌اند باعث می‌شود که آستانه تحمل والد مورد نظر پایین بیاید و ممکن است کوچک‌ترین نافرمانی کودک، او را عصبانی کرده و به تنبیه یا تحقیر کودک بپردازد.

در این صورت کودک نیز گرفتار فشار مضاعف جدایی والدین و بد اخلاقی پدر یا مادر با خود می‌شود و همین مسئله ممکن است راه را برای انحرافات فردی و اجتماعی کودک هموار سازد. طبق آمارهایی که در هر روز منتشر می‌شود با در نظر گرفتن این موضوع که حداقل اگر نیمی از افراد جا شده صاحب یک فرزند باشند تعداد کودکان در معرض خطر نگران کننده است.

خانواده‌های مبتلا به بیماری روانی

بسیاری از مطالعات به بررسی ویژگی‌های روان شناختی بزرگسالان کودک آزار پرداخته‌اند. مطالعات اولیه به ویژگی‌هایی چون داشتن مشکلات عاطفی و رفتاری، مشکلات بین فردی، هوش پایین و فقدان اطلاعات در مورد رشد کودک اشاره داشته‌اند. این مطالعات، توصیفی و بر داده‌های بالینی متکی بوده‌اند.

افسردگی یکی از اختلالات شایعی است که هم با غفلت و هم انواع آزاری نسبت به کودکان مرتبط است. چرا که عاطفه سطحی و کمبود انرژی از مشخصات بارز این اختلال هستند و هرکدام می‌توانند افزایش دهنده احتمال کودک‌آزاری و غفلت باشد. یکی دیگر از اختلالات روانی که در بروز کودک‌آزاری می‌تواند نقش داشته باشد اختلالات شخصیتی است. این اختلالات دیرپا هستند و در رابطه با محیط، سبک‌های غیر قابل انعطافی به شمار می‌آیند.

این اختلالات به نحو شدیدی نگرش فرد را نسبت به موقعیت‌های ایجاد کننده فشار روانی محدود می‌سازند و تنها به سلسله‌ای محدود و خشک از پاسخ‌ها اجازه عمل می‌دهند و به دلیل ماهیت اختلالات شخصیتی، رفتار کودکان به صورت منفی و غیر متعارفی درک می‌شود و زمینه را برای سوء رفتار فراهم می‌سازد.

اختلال دیگری که در این زمینه قابل بحث است، اختلالات اضطرابی است که به دلیل ماهیت تنش‌اش اجازه تفکر منطقی را از فرد می‌گیرد و باعث بروز کودک‌آزاری و رفتارهای متعارض در والدین می‌شود. یعنی وقتی شخص آرام است ممکن است رفتار منطقی و درستی با کودک داشته باشد و در زمان اضطراب عکس آن را انجام دهد که در این موارد علاوه بر آزار فیزیکی، کودک به لحاظ هیجانی نیز در وضعیت نامشخصی قرار می‌گیرد.

همه مطالعاتی که ارتباط بین بیماری روانی یکی از اعضای خانواده آزارگر را مورد آزمون آماری قرار داده‌اند به رابطه معنا داری بین آنها دست یافته‌اند.